

**درس فارغ فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)**

**موضوع کلی: فصل فی أحكام الجبائر**

**موضوع جزئی: همانندی حکم جبائر در غسل با حکم جبائر در وضو**

**سال تحصیلی: ۱۴۰۰-۱۳۹۹**

**تاریخ: ۲۲ شهریور ۱۳۹۹**

**مصادف با: ۲۳ محرم الحرام ۱۴۴۲**

**جلسه: ۳**

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بحث در مسأله ۶۲۲ بود، در این مسأله دو فرع مورد بررسی قرار گرفت.

مرحوم سید (ره) نوشته است که واجب نیست که شخص، غسل جبیره‌ای را به نحو ترتیبی انجام دهد، بلکه انجام آن غسل به نحو ارتماسی نیز جایز است، لکن احتیاط مستحب این است که شخص غسل را به نحو ترتیبی انجام دهد، همچنین، اگر شخص انجام غسل جبیره‌ای را به نحو ارتماسی اختیار کرد، واجب نیست که در زیر آب بر موضع جبیره دست بکشد، ولی احتیاط مستحب این است که در زیر آب بر موضع جبیره دست بکشد.

دلیل عدم وجوب دست کشیدن بر موضع جبیره در زیر آب این است که مسح بر موضع جبیره در زیر آب موضوعیت ندارد بلکه مسح، مقدمه ایصال الماء الی الجبیره است چون فلسفه مسح این است که آب به موضع جبیره برسد و فرض این است که وصول آب به موضع جبیره با رفتن زیر آب و انجام غسل به نحو ارتماسی حاصل می‌شود و لذا نیازی به مسح نیست.

مرحوم آیت الله خویی (ره) سابقاً در باب وضو فرموده بود که کشیدن آب بر روی جبیره با فلسفه مسح سازگاری ندارد و مسح غیر از غسل است و اگر مسح و غسل یک چیز بودند، امر به مسح جدای از امر به غسل نمی‌آمد و هر دو با یک امر مورد مطالبه قرار می‌گرفتند بنابراین، معلوم است که حد و مرز مسح از حد و مرز غسل جدا است. این اشکال در باب غسل ارتماسی نیز مطرح است چون آنچه مطرح است، مسح بر جبیره است و مسح بر جبیره غیر از غسل بر جبیره است و دست کشیدن در زیر آب، غسل بر جبیره است و مسح بر جبیره نیست.

بنابراین، ممکن است که گفته شود که دلیل مذکور [، مبنی بر اینکه در غسل ارتماسی، فلسفه مسح با وصول آب به موضع جبیره با رفتن زیر آب محقق می‌شود و لذا نیازی به مسح در زیر آب نیست]، صحیح نیست چون مسح چیزی غیر از غسل است و آنچه با وصول آب به موضع جبیره در زیر آب محقق می‌شود غسل است و مسح نیست، در حالی که وظیفه شخص، مسح بر جبیره است و وظیفه اش غسل جبیره نیست تا گفته شود که با رفتن زیر آب، غسل محقق شده است و مسح بر جبیره در زیر آب، تحصیل حاصل است.

مرحوم آیت الله خویی (ره)، نسبت به جواز غسل ارتماسی برای شخصی که جبیره دارد، اشکال دارد و فرموده است که غسل ارتماسی برای کسی که جبیره دارد، جایز نیست و غسل ترتیبی برای او متعین است. دلیلی که ایشان برای کلام خود اقامه کرده است این است که در باب غسل ارتماسی شرط است که شخص دفعهً واحدة کاری کند که آب تمام بدن را فرا گیرد، یعنی به گونه‌ای زیر آب برود و خارج شود که آب به همه بدن برسد، اما اگر شخص، جبیره داشته باشد با غسل ارتماسی، آب همه بدن را فرا نمی‌گیرد زیرا جبیره مانع از این است که آب به صورت دفعی به همه بدن برسد بنابراین، ما قصد لم یقع و ما وقع لم یقصد.

به علاوه اینکه، در حق شخصی که جبیره دارد، واجب است که بر جبیره مسح کند و غسل جبیره بر او واجب نیست چون ظاهر امر به مسح این است که مسح، بدل ندارد و امر به مسح در رابطه با جبیره، ظهور در تعیین دارد، یعنی شخص باید جبیره را مسح کند و غسل آن با غسل ارتماسی کافی نیست زیرا خروجی غسل ارتماسی مسح نیست، بلکه خروجی آن، غسل است.

ممکن است که گفته شود که غسل ارتماسی برای شخصی که جبیره دارد، جایز است و مشکلی در رابطه با مسح جبیره ندارد زیرا شخص محل جبیره را در زیر آب مسح می‌کند، لکن عرض می‌شود که غسل به این نحو به صورت صحیح انجام نشده است زیرا مسح، حالت تدریجی دارد، در صورتی که غسل ارتماسی حالت دفعی دارد و این با مسح که حالت تدریجی دارد، سازگاری ندارد. همچنین، تأخر مسح بر جبیره، از انغماس سر در آب لازم می‌آید زیرا در غسل ارتماسی، فرو رفتن سر در آب جزء آخری است که محقق می‌شود، ولی مسح بر جبیره چون به صورت تدریجی حاصل می‌شود از انغماس سر در آب متأخر می‌شود، یعنی سر زیر آب رفته ولی هنوز مسح جبیره تمام نشده است و این خلاف فرض است چون فرض این است که انغماس سر در آب باید متأخر باشد.

اشکال دیگر این است که پیامد غسل ارتماسی برای شخصی که جبیره دارد این است که موجب نجاست بدن می‌شود چون وقتی که در بدن شخص جراحی باشد و شخص غسل ارتماسی کند، خونی که در جراحی است به بقیه اعضا سرایت می‌کند و موجب نجاست سایر اعضا می‌شود، در حالی که آنچه از نجاست معفو است، همان نجاستی است که در موضع جبیره وجود دارد، لکن اگر این نجاست به سایر اعضا سرایت کند، معفو نیست و مجوز دخول در نماز نیست.

پس اولاً؛ وصول دفعی آب به همه بدن تحقق پیدا نمی‌کند، یعنی اگر شخص جبیره داشته باشد و بخواهد غسل ارتماسی کند، آب به صورت دفعی به همه بدن نمی‌رسد، ثانیاً؛ مسح، تدریجی است و با دفعی بودن وصول آب به همه بدن در غسل ارتماسی نمی‌سازد، ثالثاً؛ تأخر مسح از انغماس رأس در آب لازم می‌آید و رابعاً؛ نجاست به سایر اعضا سرایت می‌کند بنابراین، غسل ارتماسی نمی‌تواند عدل غسل ترتیبی قرار داده شود و گفته شود که شخصی که جبیره دارد بین انجام غسل به صورت ترتیبی یا ارتماسی مخیر است، بلکه عرض می‌شود که غسل ترتیبی متعین است و شخص مجاز به انجام غسل به صورت ارتماسی نیست. مرحوم آیت الله خویی (ره) تبصره‌ای را مطرح کرده است و فرموده است که سخنی که مطرح شد؛ مبنی بر عدم جواز غسل ارتماسی برای شخصی که جبیره دارد، به موردی مربوط می‌شود که شکستگی و جراحی، مکشوف نباشد و جبیره داشته باشد، لذا اگر شکستگی و جراحی، مکشوف باشد، انجام غسل به نحو ارتماسی جایز است زیرا شخص می‌تواند چیزی را روی جراحی بگذارد و بعد غسل ارتماسی انجام بدهد و اگر نجاست به بعضی از اعضای که پاک بوده‌اند، سرایت کند، شخص بعد از انجام غسل آن موضع را می‌شوید و تطهیر می‌کند.

البته ممکن است که در پاسخ از کلام مرحوم آیت الله خویی (ره) گفته شود که همین سخن در فرض قبلی که شکستگی یا جراحی مکشوف نیست نیز مطرح می‌شود و عرض می‌شود که در آن فرض نیز اگر با انجام غسل به نحو ارتماسی نجاست به سایر اعضا سرایت کند، بعد از غسل، آن عضو نجس تطهیر می‌شود و لذا در آن فرض نیز باید به جواز غسل ارتماسی حکم شود، مگر این که گفته شود که در فرضی که جراحی مکشوف است، خیلی کم اتفاق می‌افتد که خون در موضع مورد نظر باشد و نجاستی که به سایر

اعضا سرایت می‌کند از ناحیه خون باشد و لذا از باب اینکه نادر، مثل معدوم فرض می‌شود، به جواز غسل ارتماسی در فرض مکشوف بودن شکستگی و جراحت حکم می‌شود.

«الحمد لله رب العالمین»